



مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف « گفتگو با آقای مهندس فریبرز پلوئی

## گفتگو با آقای مهندس فریبرز پلوئی

ارسال شده در ۱۴ می ۱۳



گفتگو با آقای مهندس فریبرز پلوئی  
دانش آموخته‌ی مهندسی کامپیوتر گرایش نرم‌افزار  
ورودی ۱۳۶۶  
مدیرعامل مؤسسه‌ی رز اندیشه هوشمند  
تلفن: ۶ - ۳۲۶۴۷۹۵ (۰۲۴۱)

Email: [poloeif@yahoo.com](mailto:poloeif@yahoo.com)

### لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید در چه مقطع تحصیلی در دانشگاه شریف بوده‌اید؟

با نام خدا، فریبرز پلوئی هستم، متولد خرداد ۱۳۴۶ که دوران ابتدائی تا دبیرستان را در شهر زنجان گذرانده‌ام و در سال ۱۳۷۰ از دانشگاه شریف، در رشته مهندسی کامپیوتر با گرایش نرم‌افزار فارغ‌التحصیل شدم.

### در مورد سوابق کاری خود بفرمایید. در حال حاضر در چه حوزه‌ای مشغول فعالیت هستید؟

بنده دوران خدمت سربازیم را در زیر مجموعه‌ای از وزارت نیرو طی نموده‌ام و این مدت مستمترین حضورم در بخش دولتی بوده، البته تحت عنوان مشاور فناوری اطلاعات در سازمان‌های دولتی بصورت پاره‌وقت نیز فعالیت داشته‌ام. همزمان از ابتدای فعالیتیم حدود هفت سال هم در واحدهای دانشگاهی درس رشته‌ی کامپیوتر را تدریس نموده‌ام. اما فعالیت اصلی‌ام از سال ۱۳۷۶ با تأسیس یک مجموعه‌ی مشاوره و تولید نرم‌افزار با عنوان "شرکت مهندسی رز اندیشه هوشمند" آغاز شد که سهام‌دار عمده‌ی آن بوده و از ابتدا تا کنون مدیریت آن را به دوش می‌کشم. از سال ۱۳۸۵ نیز کارشناس رسمی دادگستری در رشته‌ی کامپیوتر و فناوری اطلاعات هستم.

### حیطه‌ی فعالیتتان در "شرکت رز اندیشه هوشمند" چیست؟

کار اصلی ما تولید نرم‌افزارها به سفارش مشتری است، گاهی کارهای مشاوره‌ای و آموزشی هم انجام داده‌ایم. به لطف خدا نرم‌افزارهای تولیدی ما در اکثر استان‌های کشور مشغول به کار است. نحوه‌ی کار روی نرم‌افزار هم به این صورت است که مشتری یک موضوعی را به ما معرفی می‌کند و یا خود ما دنبال

شناسایی موضوع می‌رویم و کارهای تحقیقاتی لازم را انجام می‌دهیم تا بتوانیم در آن حوزه‌ی خاص نیاز را برطرف کنیم، سوژه‌های ما هم عمدتاً خیلی خاص انتخاب می‌شوند. الان اکثر نرم‌افزارها در حوزه‌ی مسائل مالی و اداری است که ما چنین رویکردی نداریم و در زمینه‌های خاص سیستم‌های اطلاعاتی کار می‌کنیم. در حال حاضر چند تا نرم‌افزار ما به صورت ملی از طرف وزارت‌خانه‌ی مربوطه پیاده‌سازی شده است.

### **با توجه به اینکه اکثر کارهای شما در سطح ملی مطرح هستند، آیا شما برای شروع یا گسترش کارتان از حمایت‌های دولتی هم استفاده کردید؟**

نه، ما مورد حمایت نبوده‌ایم و در برخی موارد متحمل خلاف آن نیز بوده‌ایم. البته حمایت هم وقتی مفهوم و موضوعیت پیدا می‌کند که روشی سیستماتیک و برنامه‌مند و مستمر برای حمایت از یک صنعت وجود داشته باشد. حمایت از صنعت فناوری اطلاعات فقط در یک مقطع زمانی صورت گرفت. به عنوان مقدمه عرض کنم که حمایت‌ها در صنایع مختلف اشکال مختلفی می‌تواند داشته باشد. مثلاً فعالیت یک شرکت واردات مواد اولیه است. دولت می‌تواند به ایشان تسهیلات مالی بدهد یا فرایند گمرکی را برایش روان‌سازی نماید و کارهای دیگر ولی این برای ما اصلاً به کار نمی‌آید، در ارتباط با صنعت ما یک طرح حمایتی با عنوان طرح تکفا (مخفف توسعه- کاربردی- فناوری اطلاعات و ارتباطات- ایران) ایجاد شد که از سال ۸۱ شروع شد و ما در سال ۸۳ مورد حمایت واقع شدیم، به این صورت که طرح توسعه و ارتقاء نرم‌افزاری را که قبلاً ساخته بودیم ارائه کردیم و مورد تصویب واقع شد و آن موقع ۲۱ میلیون تومان به ما پرداختند البته در قبال اینکه ما کارمان را تا پایان انجام دادیم، چون بودند طرح‌هایی که نیمه‌کاره می‌ماندند و پولش را تا مرحله‌ی انجام شده می‌گرفتند. کلاً این طرح با هدف رشد و توسعه‌ی صنعت نرم‌افزار بدین صورت بود که اگر مجموعه‌ای می‌خواست نرم‌افزاری را توسعه بدهد یا موضوع جدیدی داشت و روی آن می‌خواست کار کند، طرح خود را ارائه می‌کردند و در صورت موافقت یک مساعدت مالی انجام می‌گرفت. البته در ابعاد دیگر فناوری اطلاعات از جمله آموزش نیز مطرح بود. این طرح حمایتی حدود سه سال بصورت جدی بود و بعد کنار گذاشته شد، هر چند که اگر این طرح نبود هم، برای ما خیلی اتفاق خاصی نمی‌افتاد ولی مسلماً اگر ادامه می‌یافت و تقویت می‌شد اتفاقات مثبت بزرگی در صنعت فناوری اطلاعات کشور رخ می‌داد چنان‌که در همان مدت نیز منشأ اشتغال دانش‌محور به میزان قابل توجهی شده بود.

### **عکس این قضیه چطور؟ آیا در شروع کار با مشکلات و موانعی رو به رو نشدید؟**

این مسائل که بوده و هست. بطور کلی از آن ابتدا که قرار هست یک کاری انجام بشود یک سیری دارد که خب در صنایع مختلف متفاوت است، در صنعت ما یعنی تولید نرم‌افزار در موارد عمومی‌اش خیلی این حالت موضوعیت ندارد، اما از سوی دیگر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری دولت در استفاده از تکنولوژی اطلاعات است که باعث می‌شود ما با یک بازار تقاضای خیلی خوب مواجه باشیم، در کشورهای توسعه‌یافته هم همینطور بوده است، دولت پیش‌قدم شده و سازمان‌ها را موظف کرده که به سمت اتوماسیون اطلاعاتی و الکترونیکی نمودن فرایندها حرکت کنند، این موضوع هم در کشور ما به نظر من بیشتر از این چیزی که الان هست می‌توانست باشد، البته نیازهای جامعه‌ی ما هم می‌تواند اولویت‌بندی‌ها را تغییر بدهد، چنان‌که در چند سال گذشته به پروژه‌های عمرانی، بسیار اهمیت داده شده و در کل به نظرم آنقدر که می‌بایست به IT اهمیت داده نشده است.

### **آقای مهندس آیا عدم وجود قانون کپی‌رایت در کشور ما به کسب و کار شما زیانی رسانده است؟**

دقیقاً همینطور است، ما در کسب و کار خودمان مشکلات خاصی داریم علاوه بر مشکلات عمومی و مشترک صنعت، شاید یکی از ریشه‌ای‌ترین موانع کار ما همین عدم عضویت ما در قانون کپی‌رایت جهانی است. وقتی ما عادت کردیم که همه‌ی نرم‌افزارها را کپی کنیم، دیگر فرهنگ استفاده از نرم‌افزار اصلی در جامعه حاکم نمی‌شود، البته در محدوده‌ی داخل کشور قانون کپی‌رایت وجود دارد. یعنی اگر کسی نرم‌افزار

ما را کپی کند ما می‌توانیم از خودمان دفاع کنیم. قوانینی هم تدوین شده و مجازاتش معین شده اما خب این کافی نیست، این عادت ما یک فرهنگی ایجاد کرده که ما در قبال نرم‌افزار پول نپردازیم و گاهی نیز در پی کپی نرم‌افزارهای داخلی باشیم. یکی دیگر از مشکلات ما ملموس نبودن محصول تولیدی ما است، که این خودش کار ارزش‌گذاری روی محصول و سرمایه‌گذاری یا هزینه نمودن در آن را برای متقاضی و خریدار سخت می‌کند. نکته‌ی دیگر اینکه صنعت IT مملو از نیروی جوان است که این به نظر من می‌تواند هم حسن باشد، هم باعث اشکال شود، به این صورت که برای نیروهای جوان باید الگوهایی مناسب وجود داشته باشد تا بتوانند از آنها در باب اخلاق حرفه‌ای چیزی یاد بگیرند، الان جایی نیست به این‌ها و حتی خود ما اخلاق حرفه‌ای یاد بدهد. وقتی که این‌ها از دانشگاه بیرون می‌آیند با الگوهای بدی ممکن است مواجه شوند، فکر می‌کنم یکی از مشکلات اصلی صنعت ما همین عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای است. جوان‌های ما همه آدم‌های خوبی هستند و می‌خواهند که درست و اصولی کار کنند ولی تا وقتی که در این زمینه آموزش صحیح داده نشوند ممکن است که با الگوهای نادرستی مواجه شوند که البته این آموزش می‌بایست علاوه بر جنبه‌ی نظری، بصورت عملی از سوی پیشکسوتان ارائه شود. اصلاً اگر اصول اخلاق حرفه‌ای را ما ندانیم و به کار نیندیم، نمی‌توانیم در یک محیط سالم فعالیت کنیم و ادامه بدهیم. به طور کلی کار تیمی را به ما از ابتدا یاد ندادند و به نظرم، هم از طرف خانواده‌ها و هم مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها باید روی این مسئله کار بشود. سال‌ها پیش یک مقاله‌ای خواندم که در بخشی از چین قانونی آزمایشی به اجرا گذاشته بودند که اگر میانگین معدل‌های یک کلاس مردود بشه کل آن کلاس مردود می‌شوند خب این اگر ادامه پیدا کرده باشد نتایج خوبی باید داشته باشد چون کار و موفقیت گروهی را ترویج می‌کند، و موفقیت فرد را به موفقیت گروه گره می‌زند اگرچه به نظر می‌رسد قدری افراطی است به هر صورت بعنوان یک مثال عرض کردم.

و اما اخلاق حرفه‌ای، بنده طی بیست سال فعالیتیم در حوزه‌ی فناوری اطلاعات، موارد بسیاری را دیده‌ام که عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای سبب متلاشی شدن تیمی شده که می‌توانسته‌اند بسیار موفق بوده و منشأ کارهای بزرگی شوند و سبب اتلاف سرمایه‌ها و اندوخته‌ها شده است. به عرضتان رساندم هفت سالی است کار کارشناسی رسمی در حوزه‌ی کاری خود نیز انجام می‌دهم که در طول این انجام وظیفه نیز بارها دیده‌ام که جهل از قوانین و عدم پایبندی به اصول اخلاقی در کار، باعث تباهی‌های بسیار شده است. اجازه بدید از این فرصت استفاده کنم و پیشنهاد تدریس اخلاق حرفه‌ای را بعنوان درس الزامی در دانشگاه خودمان مطرح کنم. اگر دو واحد درسی اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه تدریس شود مسلماً می‌تواند بعد از ۱۰-۲۰ سال نتایج خیلی مثبتی داشته باشد. دانشگاه شریف که پیشرو است خوب است در این کار نیز پیش‌قدم شود. در صورت استقرار اخلاق حرفه‌ای، فضای کسب و کارها ثبات پیدا می‌کند، گروه‌های کاری قوی تشکیل می‌شود، رشد و بالندگی در علم و فناوری محقق می‌شود، بهره‌وری افزایش می‌یابد، از وقوع بسیاری از اعمال مجرمانه پیش‌گیری می‌شود، تصویری قابل اعتماد از مجموعه نزد مخاطبان ایجاد می‌شود و ده‌ها مزیت دیگر...

### **سیاست کاری خود شما برای جذب نیرو به چه صورت است؟ آیا شما نیروهای جوان را می‌پسندید یا نیروی با تجربه‌ی کاری بالا؟**

استراتژی خود من این است که اول روی اخلاق و ادب آن شخص دقت می‌کنم و یادم هم نمی‌آید هیچ وقت با کسی به خاطر ضعف علمی و فنی بدرفتاری کرده باشم و یا بالعکس اگر ببینم کسی از اصول اخلاقی دور شده قطعاً ابتدا راهنمایی و در صورت لزوم با او برخورد می‌کنم. در بعضی از پروژه‌ها که ما باید در زمان کاری کمی پروژه را انجام بدهیم یا شرایط فنی کار ایجاب کند سعی می‌کنیم از همکاران کارکنسته و با تجربه استفاده کنیم ولی در حوزه‌ی جذب از کسانی که تازه فارغ‌التحصیل شده‌اند یا نهایتاً ۳-۴ سال تجربه دارند، جذب می‌کنیم.

## به نظر شما دانشجویان و فارغ التحصیلان چه ویژگی‌هایی را باید در خودشان تقویت کنند تا بتوانند در یک گروه کار کنند و موفق شوند؟

من با تمام وجود اعتقاد دارم کسی که می‌خواهد در یک تیم کاری قرار بگیرد، می‌بایست معتقد به راستی و درستی باشد، تعهدپذیر و امانت‌دار باشد. البته کار تیمی در قالب شراکت، ظرافت خیلی زیادی دارد، اگر الان شما از من بخواهید که گروه‌های موفق را در این زمینه نام ببرم، باید چند روزی را برای پاسخ به من وقت بدهید، ولی درمورد گروه‌های ناموفق همین الان می‌توانم نمونه‌های زیادی را اسم ببرم. وقتی چند نفر در یک گروه جمع می‌شوند اگر شکست بخورند از هم جدا می‌شوند چون تحمل شکست را ندارند و در صورتی که موفق شوند هم متأسفانه از هم جدا می‌شوند چون دوست دارند هرکدام جداگانه موفق شوند که در اینصورت، توان پایین می‌آید، چون در کار تیمی اینطور نیست که ۱+۱ همیشه بشود ۲، ۱+۱ می‌تواند دو بشود چهار شود یا حتی صد، البته اگر هم‌سوئی و هم‌افزایی داشته باشند. باید توجه داشت که در کار تیمی "من" مطرح نیست و "ما" اهمیت دارد، اگر این نگاه وجود داشته باشد من اعتقاد دارم خدا خودش کمک می‌کند و وای بر روزی که ۱+۱ در کار تیمی بشود صفر یا حتی زیر صفر.

## جای خالی چه آموزش‌هایی را در آموزه‌های دانشگاه احساس می‌کنید؟ آیا فارغ التحصیلان برای ورود به بازار کار آمادگی لازم را دارند؟

من از سال ۸۰ رابطه‌ی نزدیکی با انجمن فارغ التحصیلان داشتم. راستش سال ۸۲ بود که قرار بود جشنواره‌ی کارآفرینی شریف برگزار شود، ۲-۳ روز مانده بود به برگزاری که به ما گفتند ما عهده‌دار بخشی از این کار شویم و کار را انجام بدهیم و ما این کار را قبول کردیم، حدود ۱۵ تا ۲۰ نفر دانشجو برای همکاری لازم داشتیم، گفتند احتمال اینکه دانشجویها بیایند و کار انجام بدهند خیلی کم است، خلاصه ما یک جلسه‌ای با حدود ۱۷-۱۸ نفر دانشجو گذاشتیم و نکات مهم را بیان کردیم، در آن جلسه چند نفر سؤال‌شان این بود که آیا چیزی هم به ما می‌رسد یا نه؟ من این موضوع را رد کردم و برخلاف انتظار، همه‌ی دانشجویها خیلی خوب آمدند و از اول صبح خیلی خوب کار کردند و نمونه‌ی خیلی خوبی برپا کردیم، روز آخر هم نمایشگاه تا ساعت ۱۱ شب طول کشید و بعد هم رفتیم شام خوردیم. این شام تنها چیزی بود که به این دانشجویان عزیز داده شد آن هم در پایان کار. بعد دوستان گفتند خیلی خوب بود، چطور توانستید خیلی خوب این جوانان را دور هم جمع کنید و نمایشگاه را در این فرصت کوتاه برگزار کنید؟ بحث این بود که وقتی دانشجویها دیدند که یک بزرگتر از خود که ۱۰ سال پیش فارغ التحصیل شده آمده اینجا و بدون هیچ چشم‌داشتی وقت گذاشته است، خب آنها هم الگو گرفته‌اند، هیچ موعظه‌ای مؤثرتر از عمل نیست. به نظرم باید الگوی مناسبی برای دانشجویها باشیم چون آنها دوست دارند صفات خوب داشته باشند و کار کنند. اگر روزی من الگوی بدی باشم آن روز، روز ورشکستگی من خواهد بود. اساتید به عنوان نزدیک‌ترین الگوهای دانشجویان نقش مهمی را در آینده‌ی آنان ایفا می‌کنند و بالاخره اینکه من گمان می‌کنم در صنعت ما اگر دانشجویان درس‌های خود را خوب بخوانند و همان تکالیف دانشجویی را جدی انجام دهند آمادگی اولیه را برای محیط کار پیدا می‌کنند ولی مشکل این است که معمولاً این کار انجام نمی‌شود.

## آقای مهندس تعریف شما از کارآفرینی چیست؟ و رسالت یک کارآفرین نسبت به جامعه‌اش چیست؟

از کارآفرینی هرکس یک تعریفی می‌کند. ببینید در عرصه‌ی جدید اقتصادی رقابت بر سر سرمایه‌هاست و پیروز کسی است که بهره‌وری بیشتری را از منابع و سرمایه‌ها به وجود بیاورد، طبیعتاً بدین منظور ابداع و نوآوری به وجود می‌آید، اینجاست که کارآفرینی نمود پیدا می‌کند. در حقیقت ساختار اقتصادی جدید متفاوت شده، قبلاً شاخص‌های سخت‌افزاری مطرح بود ولی الان نوآوری و ابداعات جدید مطرح هستند. حس مسئولیت عده‌ای به اسم کارآفرین در قبال افزایش کیفی زندگی عموم مردم، خلاقیت و نوآوری را به وجود می‌آورد. این کارآفرینی از ابتدای خلقت بشر هم بوده، منتها از دهه‌ی ۱۹۵۰ با انتشار کتاب‌هایی درمورد افراد موفق و راه‌های کسب و کار به این موضوع توجه ویژه‌ای شد و بعدها کم‌کم دولت‌ها وارد کار شدند، هر چند در کشور ما تا ابتدای برنامه‌ی سوم توسعه، توجه چندانی به این موضوع نشده بود، که

بعد از آن، این جریان هم درکشور ما به وجود آمد. باز من اعتقاد دارم کارآفرینی یک فرآیند است، اتفاق نیست. خانواده‌ها باید به این موضوع توجه کنند، اینکه ما یک رشته‌ی دانشگاهی راه بیاندازیم کافی نیست، کارآفرینی در واقع یک حس مسئولانه‌ی متعالی است که در وجود و ذات بعضی‌ها هست و به مرور تقویت می‌شود، شاید اصلاً ۸۰٪ دانشجویان این رشته نتوانند کارآفرین شوند.

### **به جز نقش اشتغال‌زایی، شما توسعه‌ی آن صنعت را هم از وظایف کارآفرین می‌دانید؟**

من اعتقاد این است که اشتغال‌زایی که یک کارآفرین دارد و همین طور توسعه‌ی صنعت که نتیجه‌ی کار آنها است خیلی ارزشمند است اما کارآفرینی ابعاد ارزشمندتر دیگری نیز دارد که موجب امنیت روانی جامعه، ترغیب نوآوری و بارور شدن خلاقیت و توزیع مناسب درآمد در میان مردم می‌شود و افزایش رفاه اجتماعی را تضمین می‌کند. من فکر می‌کنم که ما باید اول ببینیم که رسالت ما از آمدن به این دنیا چیست؟ واقعاً این است که شغل و درآمد ایجاد کنیم؟ ماشین خوب تولید کنیم و سوار شویم؟ اگر این‌گونه باشد پس درحق بعضی از نیاکان و گذشتگان ما که انسان‌های بسیار شایسته‌ای بوده‌اند ظلم شده که مثلاً پدیده‌ای چون اتومبیل را ندیده‌اند! بنابراین این‌ها واقعاً نمی‌توانند معیارهای رسالت و ملاک واقعی موفقیت باشند، من فکر می‌کنم که در زندگی دو تا راه بیشتر نداریم که یکی راستی و درستی و نوع دوستی است و راه دیگر دقیقاً برعکس این است و با این مقدمه می‌خواهم عرض کنم کارآفرینی به هر بهایی نباید انجام بشود، کارآفرینی باید در چارچوب اصول اخلاقی اجرا شود و گر نه رانت‌خواری به درد نمی‌خورد، کم‌فروشی و زیاده‌خواهی ارزش منفی دارند. یکی از ویژگی‌هایی که یک کارآفرین واقعی دارد که باعث تفاوت او از بقیه می‌شود احساس مسئولیت مداوم اوست و او در هر شرایطی با این حس متعالی زندگی می‌کند. کارآفرین در مواجهه با مشکل دنبال راه‌حل است نه صرفاً مدارا کردن! کارآفرین سعی در حل مشکل دارد. کارآفرین خودش را در یک میدان مواجهه با مشکلات قرار می‌دهد، شکست را مثل یک تجربه می‌بیند، در واقع مخاطره‌پذیر است و قدرت رهبری دارد. انگیزه‌های مالی برای کارآفرین به نظر من یا اصلاً وجود ندارد یا اینکه در اولویت‌های پایین قرار دارد، آن هم برای استفاده‌ی ابزاری از آن درآمد برای کمک به توسعه‌ی کسب‌وکار و پیش‌برد اهدافش است.

### **آقای مهندس وظیفه‌ی جامعه نسبت به یک کارآفرین چیست؟**

با توجه به آن تعریفی که از کارآفرین ارائه دادم این شخص باید توانایی استفاده از سرمایه، علم و تخصص و تجربه و ابزار و غیره را برای تولید یک محصول یا خدمت داشته باشد و مهم‌تر اینکه قدرت تحمل ابهامات را داشته باشد و زیر فشارها مقاومت کند و تصمیمات درست بگیرد، او در نهایت می‌خواهد یک محصول یا خدمت و مهارتی را در جامعه ایجاد کند و رشد بدهد. به نظرم اصلاً روحیه‌ی کارآفرین این نیست که دنبال تکریم و تشویق باشد، پس اجازه بدهند او کارش را انجام بدهد، اما ضمن حمایت‌های قانونی از کارآفرین، فکر میکنم باید زیرساخت نیروی انسانی لازم را ایجاد کنیم یعنی باید برنامه‌ریزی بشود که خانواده‌ها و نهادهای مسئول از دوران مدرسه شروع کنند بچه‌ها را آموزش بدهند که آنها از همان بچگی نسبت به جامعه‌ی خود احساس مسئولیت کنند که وقتی در محیط تیمی واقع میشوند بتوانند درست کار کنند، یا وقتی در سازمانی مشغول میشوند و کارآفرینی به آنها مراجعه میکند کارشکنی نکنند. در نهایت یک فرهنگ و تعهدی در بین همه ایجاد شود تا برای پیشرفت جامعه و کشورمان تلاش کنیم، این ایجاد شود خیلی مشکلات برطرف میشود.

### **آقای مهندس چه مشکلات قانونی را بر سر راه کارآفرینان می‌بینید؟**

مشکلات هستند ولی یکی از آزاردهنده‌ترین مشکلات این است که در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها یک نگاه از بالا به پایین نسبت به فعالان و مدیران بخش خصوصی وجود دارد، این را باید فرهنگ‌سازی کرد که بخش خصوصی و دولت دو دسته‌ی یک آچار هستند که باید به هم کمک کنند تا جامعه رشد کند، پس باید این نگاه از بالا به پایین تصحیح بشود، این یکی از مشکلات روانی کارآفرینان ما است. ما باید کارآفرینان را ناجیان این جامعه بدانیم. این نگاه اگر اصلاح بشود خیلی مؤثر خواهد بود. ضمن اینکه

همه‌ی بنگاه‌های اقتصادی و بخش‌های خصوصی با مراجعی از جمله سازمان امور مالیاتی، سازمان تأمین اجتماعی و سازمان کار و غیره در ارتباط هستند و این‌ها می‌توانند نقش مهمی را در دلگرم کردن کارآفرین بازی کنند. من یک روز در یک جلسه‌ای بودم در سازمان تأمین اجتماعی، جریمه‌ی سنگینی به اشتباه برای ما در نظر گرفته بودند و یکی از مسئولین هم خیلی برخورد تهاجمی و تندی داشت با من و جلسه را طوری جلو برد که انگار من دروغ می‌گویم، هر چند که برطبق ضوابط قانونی حق با بنده بود و بعداً هم ثابت شد و آن شخص هم پذیرفت ولی من موضع و برخورد ناشایست ایشان را پیگیری کردم که چرا با من چنین برخوردی شده است؟ هم از آن شخص و هم از مدیران بالاتر. توجیهی که آن شخص داشت این بود که ما برای اینکه بتوانیم از حقوق سازمان خودمان دفاع کنیم مجبوریم که اینطوری برخورد کنیم یعنی بصورت تهاجمی!!!، من گفتم یعنی چه؟ مگر من دشمن شما هستم؟ اگر هم من دارم اشتباه می‌کنم شما می‌توانید در چارچوب قانون من را راهنمایی کنید و تازه اگر کسی دارد به عمد بر خلاف قانون عمل می‌کند شما باز هم حق ندارید اینطور برخورد کنید. با مدیر بالادست آن فرد صحبت کردم، او از من دلجویی کرد و عذرخواهی و پذیرفت که چنین نگاه و برخوردهایی وجود دارد، در نتیجه این نگاه غلط باید هرچه زودتر اصلاح شود.

همچنین قوانین حمایتی باید در جهت حمایت از بخش خصوصی و تولید وضع شوند. فضای کسب و کار ما در بخش خصوصی یک راهی را می‌رود و مدیریت کسب و کار در دولت یک راه دیگر که دقیقاً مثل بحث صنعت و دانشگاه است. الان راه صنعت و دانشگاه ما دو راه متفاوت هستند. برای نزدیک کردن این‌ها آمدم بودجه‌هایی اختصاص دادیم برای شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی که بروید با دانشگاه قرارداد ببندید ولی محصول کار چیز مطلوبی نبود. بعضی پروژه‌ها به خوبی انجام می‌شدند ولی اکثر پروژه‌ها اینطور بوده که یک بودجه‌ای اختصاص داده می‌شد و بعضی از دوستان در دانشگاه رتبه‌ی پژوهشی می‌گرفتند و برای صنعت هیچ اتفاقی نمی‌افتاد و نتیجه این بود که فاصله‌ی این دو بیشتر شد چون اگر کسی در صنعت است به سختی می‌تواند پروژه بگیرد ولی از طرف دانشگاه اگر باشد این تشریفات و سختی‌ها وجود ندارد و وقتی کسی این شرایط را می‌بیند دیگر میلی ندارد وارد صنعت بشود؛ می‌رود در دانشگاه و یک حقوقی دارد و گاهی هم پروژه می‌گیرد. ولی واقعاً اگر به یک شکل مناسبی این بودجه‌ها را به داخل صنعت تزریق می‌کردیم و حمایت می‌کردیم شما فکر نمی‌کنید که متخصصین و دانشگاهی‌ها خودشان رغبت پیدا می‌کردند که بدنبال رفع مشکلات صنعت برآیند و از صنعت پروژه بگیرند؟ و اساساً این میل زیاد جوانان به جذب شدن به هیئت علمی کمتر می‌شد؟ این که نمی‌شود در مملکت یک عده درس بخوانند یک عده هم درس بدهند. پس عرضم این بود که قوانین باید با یک دوراندیشی وضع بشود که آخرش صنعت ذلیل و بیچاره نشود و همه دوست داشته باشند وارد دانشگاه بشوند! اگر ما صنعت را تقویت می‌کردیم اینطور نمی‌شد. مثلاً چه ایرادی دارد که مدیران پاکدامن و دلسوز شرکت‌های خصوصی را به عنوان وزیر، معاون و مشاور وزیر وزارتخانه‌های صنعت، نیرو، مخابرات، کار و غیره انتخاب کنیم؟ حرفم این است که از آدم‌های باتجربه در این زمینه کمک بگیریم برای تسهیل مشکلات.

### **آقای مهندس تعریف شما از موفقیت چیست؟ و کدام یک از عوامل در موفقیت شما دخیل بوده‌اند؟ هوش، تلاش، پشتکار یا تسهیلات؟**

از دیدگاه بنده موفقیت، زندگی مسئولانه تا آخر عمر در کمال راستی و درستی و در نهایت تلاش است. اینکه آدم چه چیزی از نظر مالی به دست می‌آورد مطرح نیست مثلاً تا یک انسانی را می‌بینیم که در کسب و کار ثروتی بدست آورده نمی‌توانیم بگوییم که حتماً موفق است. لذا به نظر من با توجه به ویژگی‌هایی هم که برای کارآفرین گفتیم موفقیت را در زندگی مسئولانه می‌بینیم که خود می‌تواند در مواردی منجر به کارآفرینی شود. من رعایت اصول اخلاقی را در پیچ‌های سخت زندگی موفقیت می‌دانم. و اگر بنده موفق باشم از عوامل موفقیت خود، لطف خدا اول است و بعد توکل من به او و بالاخره استقامت و پشتکارم. عمیقاً باور دارم اگر یک لحظه لطف خدا از سرم برداشته شود گاهی اتفاقاتی ممکن است بیافتد

که جبرانش ممکن نباشد، مثلاً ممکن است من با کاری منشأ آموزش غلط برای دو نفر دیگر می‌شدم و آن دو نفر در مسیری می‌افتادند و به صورت تصاعدی زیاد می‌شد و هیچ وقت نشود آن را جبران کرد، از خدا شاکرم که برای اعضای مجموعه و اطرافیان خودم هیچ وقت الگوی بدی‌ها نبودم.

### **آیا تحریمها بر روی صنعت شما تأثیرگذار بوده است؟ این تأثیرها مثبت بوده‌اند یا منفی؟**

حتماً تأثیر دارد. منتها صنعت ما به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. یک وقتی هست که می‌خواهیم مواد اولیه را وارد کنیم که خبر در این صورت تأثیر مستقیم دارد ولی در کار ما اینطور نیست. تأثیر غیر مستقیم و اصلی تحریم بر ما به این صورت است که اگر اوضاع اقتصادی سازمانها و شرکتهای خوب نباشد اولین چیزی را که حذف میکنند، نرمافزار است که البته این اشتباه است. ما در صنعت تولید فلزات، نرمافزاری را نوشته بودیم که در دوره‌های اوضاع خوبی نداشتند که به نظر من آن روزها خیلی به دردشان می‌خورد، چون با داشتن آن می‌آموختند که بهتر بتوانند مدیریت کنند و شرایط را تحلیل کنند ولی معمولاً از این موضوع غافل هستیم. به هرصورت با تحریمها یک سری مشکلات هم در ارتباطات پیدا کردیم بعنوان مثال ما از فضای میزبان اینترنتی خارج از کشور استفاده میکردیم که این ارتباطات الان قطع شده است. خبر اینها جایگزین شده و در داخل کشور انجام میدهیم و درکل ممکن است که مشتریهای ما پول کمتری برای خرج کردن در این زمینه داشته باشند و فعالان عرصه‌ی IT دچار مشکل بشوند.

### **در پایان اگر مطلبی باقی مانده است یا اینکه توصیه‌های برای فارغالتحصیلان دارید بفرمایید.**

من تقریباً همه‌ی حرفهای مهم را در مدت این زمان زدم و سؤالهای شما هم خیلی کامل بود، بنده معتقدم که "آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید" خیلی نباید به نتایج وابسته باشیم، رسالت ما این است که تلاش خودمان را انجام بدهیم. دانشجویها و فارغالتحصیلان باید خیلی امیدوار باشند، مثبت باشند. همیشه با تلاش میشود به نتیجه رسید و به نظر من مشکل در این است که ما در آرمانهایمان دچار تردید میشویم و لازم است که دوباره آرمانها را مرور کنیم. اصلاً این کشور را به جز ما چه کسی باید بسازد؟ نباید مسئولیت‌مان را نسبت به جامعه و سرزمین مادریمان فراموش کنیم و باید هر روز روی این ویژگی کار کنیم. فراموش نکنیم که تحصیلات و دانش، مسئولیت اجتماعی ایجاد میکند. ضمناً اینکه اگر میخواهند کار تیمی بکنند باید مهارتهای آن را قبلاً کسب کنند و حتماً اول یک رهبر و فرماندهی شایسته را مشخص کنند و به او اعتماد داشته باشند و ممکن است یک سال یا دو سال موفق نباشند، نباید دلسرد بشوند و گفتم که باید موفقیت را تعریف بکنند. موفقیت این است که صادقانه تلاش کنی، این حتماً به نتیجه میرسد و در باورهای من، تلاش صادقانه، خود بهترین نتیجه است، ما تحصیل کرده‌ها در جامعه الگو هستیم پس باید سعی کنیم الگوی خوبی باشیم و رسالت خودمان را پیش ببریم.

### **انشاءالله که اینطور باشد. خیلی استفاده کردیم.**

از تیم علاقمند و کوشای شما بیاندازه سپاسگزارم.

دسته‌بندی نشده

## ارسال دیدگاه

آدرس ایمیل شما منتشر نخواهد شد. زمینه های مورد نیاز علامت گذاری شده اند \*

دیدگاه خود را ارسال نمایید...

نام :

ایمیل :

وبسایت :

☐ ذخیره نام، ایمیل و وبسایت من در مرورگر برای زمانی که دوباره دیدگاهی می نویسم.

ثبت دیدگاه



### تماس با ما

آدرس : تهران، خیابان آزادی،  
دانشگاه صنعتی شریف،  
مجمع خدمات فناوری، مرکز  
کارآفرینی دانشگاه صنعتی  
شریف

شماره تماس : ۰۲۱۶۶۱۶۶۳۰۲  
۰۲۱۶۶۱۶۶۳۰۳

ایمیل :

Karafarini@sharif.edu

فرم تماس با ما : فرم تماس

### پیوندها

دانشگاه صنعتی  
شریف

سامانه ملی  
کارآموزی و  
بازآموزی

نقشه سایت